

«کاجستان»

آموختنی‌ها

۱. آشنایی با معنا و مفهوم شعر کاجستان و حکایت (حکمت)
۲. توجه به فضایل اخلاقی مانند: ایثار و توجه به هم‌نوعان
۳. به کارگیری واژگان «چون» - «چو» با معانی مختلف
۴. آشنایی با کلمات هم‌آوا و هم‌نویس
۵. آشنایی با شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان
۶. آشنایی با محمد جواد محبت شاعر شعر کاجستان

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

- | | |
|--|-----------------------------|
| پاک‌رفت: | ملک: پادشاه |
| افق: | ملک: قلمرو، سرزمین |
| حصار: | مصیبت: |
| تصور: اندیشه | غوطه: |
| محنت: سختی، رنج | عاقبت: |
| درنهاد: | ویلون: یکی از سازهای موسیقی |
| نیازموده: تجربه نشده، آنچه آزمایش نشده | غایت: نهایت، آخرین درجه |
| ملاطفت: | خامش: مخفف خاموش |
| کاجستان: | تأمل کردن: |

کلمات متضاد

- | | | |
|--------------|--------------|---------------|
| ≠ آشنا | ≠ محنت | ≠ دوستی |
| ≠ سالم | ≠ ضرر | ≠ نرمی |

کلمات هم‌خانواده

- | | | |
|--------------|---------------|-------------|
| عاقبت، | تحمل، | خطوط، |
| کرم، | ملاطفت، | حصار، |

دوستی فقط با هم خوش بودن و خندیدن نیست! دوستی یعنی در زمان نیاز و درماندگی به یکدیگر کمک کنیم و خاطره‌ی روزهای خوب را از یاد نبریم. دوست خوب با راهنمایی‌ها و کمک‌های به موقع، ما را یاری می‌کند و از خطر می‌رهاند. به همین دلیل باید قدر دوست‌های خوبمان را بدانیم.

کاجستان

در کنار خطوط سیم پیام خارج از ده، دو کاج رویدند

بیرون روستایی، دو کاج در نزدیکی شبکه‌ی سیم کشی مخابرات رویدند.

سالیان دراز رهگذران آن دو را چون دو دوست می‌دیدند

سال‌های سال، کسانی که از آن جا می‌گذشتند، می‌دیدند که آن دو درخت کاج، مانند دو دوست هستند.

روزی از روزهای پاییزی زیر رگبار و تازانای باد

در یکی از روزهای پاییزی، آن هنگام که باران تندی می‌بارید و باد مانند حرکت شلاق، می‌وزید.

یکی از کاج‌ها به خود لرزید خم شد و روی دیگری افتاد

یکی از آن دو کاج لرزید، خم شد و روی کاج دیگری افتاد.

گفت: ای آشنا، بیخش مرا خوب در حال من تأمل کن

کاج افتاده گفت: ای دوست، مرا بیخش خوب به وضعیت من نگاه کن.

ریشه‌هایم زخاک بیرون است چند روزی مرا تحتل کن

بین که چطور ریشه‌هایم از خاک بیرون افتاده است! یک چند روزی مرا تحتل کن.

کاج همسایه گفت با نرمی «دوستی را نمی‌برم از یاد

کاج همسایه با ملایمت و لطافت گفت: من دوستی را فراموش نمی‌کنم.



شاید این اتفاق هم روزی ناگهان از برای من افتاد»

🎧 شاید روزی، همین اتفاق، ناگهان برای من بیفتد.

مهربانی به گوش باد رسید باد آرام شد، ملایم شد

🎧 رفتار مهربانانه‌ی این دو کاج به گوش باد رسید. باد هم آرام و ملایم شد.

کاج آسیب دیده‌ی ما هم کم کمک پا گرفت و سالم شد

🎧 کاج آسیب دیده‌ی داستان ما هم، آرام آرام توانایی خود را بازیافت و خوب شد.

میوه‌ی کاج‌ها فرو می‌ریخت دانه‌ها، ریشه می‌زدند آسان

🎧 میوه‌ی کاج‌ها می‌افتاد و دانه‌هایشان به آسانی، در خاک ریشه می‌زدند.

ابر باران رساند و چندی بعد ده ما نام یافت کاجستان

🎧 ابر باران خود را بر سر آن دانه‌ها بارید و پس از گذشت مدتی، اسم روستای ما، (کاجستان) نام گرفت.

حکمت

پادشاهی با خدمتکار خود به کشتی‌ای سوار شد. آن خدمتکار، هرگز دریا ندیده بود و رنج کشتی‌سواری را تجربه نکرده بود. شروع کرد به گریه و زاری و بدنش شروع کرد به لرزیدن. هر چه قدر با او مهربانی کردند، آرام نمی‌شد و پادشاه از این وضعیت ناراحت شد. مرد دانایی در آن کشتی بود. پادشاه گفت: «اگر اجازه بدهی من او را به روشی آرام کنم.»

پادشاه گفت: «این نهایت لطف و بزرگواری شما را نشان می‌دهد» حکیم دستور داد تا نوکر را به دریا انداختند چند بار در آب فرو رفت؛ لباسش را گرفتند و به سوی کشتی آوردنش. دو دستی، به سکان کشتی آویزان شد. وقتی از کشتی بالا آمد، گوشه‌ای نشست و آرام شد.

پادشاه از این کار خوشش آمد، گفت: «قضیه چه بود؟»

حکیم گفت: «غلام ابتدا رنج و عذاب غرق شدن را نمی‌دانست و به این خاطر ارزش آسایش کشتی را نمی‌فهمید.»





کاربرد «چون» یا «چو» در کلمات

به توضیحات زیر توجه کن:

★ گاهی در بعضی جمله‌ها از واژه‌ی «چو» به جای «مثل»، «مانند»، «وقتی که»، به دلیل این که، استفاده می‌کنیم.

مثال: دلی دارم چو مرغ پرشکسته ← دلی دارم مثل مرغ پرشکسته

مثال: چو او را دیدم، از جا بلند شدم. ← وقتی او را دیدم از جا بلند شدم.

★ گاهی در بعضی جمله‌ها از واژه‌ی «چون»، به جای واژه‌های «مثل»، «مانند»، زیرا او به دلیل اینکه، استفاده می‌کنیم.

مثال: پروانه‌های باغ چون تابلوی نقاشی بودند.

پروانه‌های باغ مثل تابلوی نقاشی بودند.

مثال: محمد به مدرسه نیامد چون بیمار بود.

محمد به مدرسه نیامد برای اینکه بیمار بود.

چون وقتی معنای (مثل و مانند) را بدهد، حرف اضافه است و با کمک (چون) دو چیز را به هم مانند کرده‌ایم. اما اگر معنای (زیرا، به دلیل اینکه) بدهد حرف ربط می‌باشد که باعث ارتباط دو جمله می‌شود.



کلمات هم‌نویسه

★ بعضی از کلمه‌ها، چند معنی دارند و چند نوع خوانده می‌شوند، ولی یک‌جور نوشته می‌شوند.

مثال: مَلِک: پادشاه مَلِک: پادشاهی

مِلک: سرزمین مَلِک: فرشته

کلمات هم‌آوا

★ بعضی از کلمه‌ها یک‌جور «خوانده» می‌شوند، ولی در معنا و نوشتار تفاوت دارند. به این کلمه‌ها **هم‌آوا** می‌گوییم.

مثال:

ارز: پول خارجی

خویش: خود

عرض: پهنا

خیش: گاواهن



شخصیت‌های اصلی و فرعی در داستان

★ به شخصیت‌های اصلی و فرعی در نوشته‌ی زیر توجه کن:

وقتی مادر بزرگ به خانه آمد، درنا و برنا به سوی او دویدند و او را در آغوش گرفتند. او برای بچه‌ها کتاب داستان خریده بود و با مهربانی برایشان از قصه‌های کتاب خواند.

شخصیت اصلی: مادر بزرگ


شخصیت‌های فرعی: درنا و برنا



املا دان

آشنایی با کلماتی که هم آوا هستند و یا نوشتار یکسان با معانی متفاوت دارند به تقویت املا کمک می‌کند. به خصوص اگر این کلمات را در جمله به کار ببرید ساختار و نوشتار و معنای آن‌ها در ذهن باقی خواهد ماند.

با کمک بزرگ‌ترها یا جستجو در اینترنت کلمات هم آوا و کلمات با نوشتار یکسان و معانی متفاوت پیدا کرده و یک جمله با آن‌ها بنویس.


الف: کلمات هم آوا



جمله 

 جمله 

.....

ب: کلمات با نوشتار یکسان و معانی متفاوت

جمله 

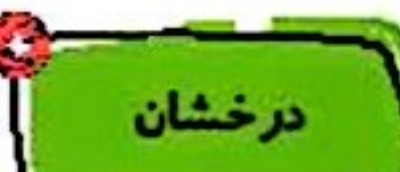


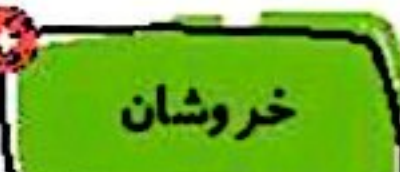


 جمله 

.....

تمرین

۱ هر کلمه را به توضیح آن وصل کن.

درخت  کاج  رود  مروارید  ملک  دریای 

درخشان  پهناور  بلند  خروشان  آبی  سرسبز 

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: پیام شعر «دو کاج، دوستی و معرفت است.»

ب: ثروت پیرمرد، خانه‌ای بزرگ زیر آسمان بود.

پ: داستان «زیر آسمان بزرگ، ترجمه‌ی بیوک ملکی است.»

ت: کسی که غمی نچشیده باشد، قدر شادی را نمی‌داند.

۳ جمع کلمه‌های زیر را بنویس.

مدرک

موج

همساره

خط

رهگذر

کاج



۴ معنای «چو - چون» را در هر جمله و بیت مشخص کن.

الف: او به خانه برگشت، چون (.....) چیزی را جا گذاشته بود.

ب: چو (.....) نیک نگری، پر خویش در آن بینی.

پ: مرد بی حرکت گوشه‌ای نشسته بود، چون (.....) انسانی بی‌جان!

۵ معنی کلمات زیر را بنویس.

جابه

خامش گردانم

تأمل کردن

غایت

ملاطفت

غوطه

۶ با کمک حرف (چون) افراد یا چیزها را به هم مانند کن.

الف: بچه‌ها چون زیبا هستند.

ب: مادرم چو صبور و فداکار است.

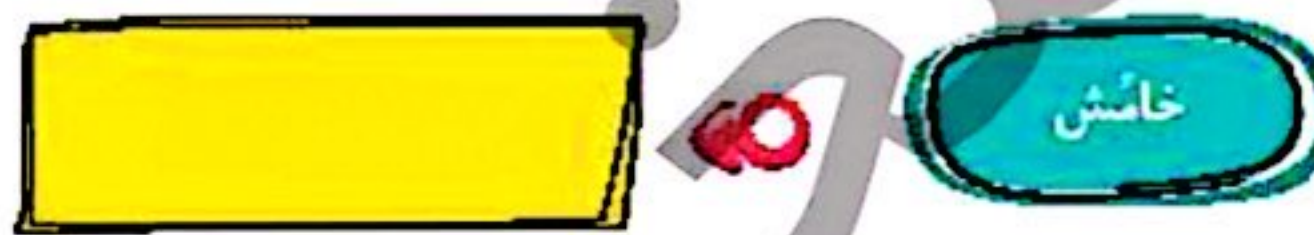
پ: خانه‌ی مادربزرگ چون صمیمی و دلگشا است.



۷ کلمه‌ی «ملک» را با نشانه‌های (کُ) بخوان، معنی کن و سپس با هر کدام جمله‌ای مناسب بنویس.

معنی	جمله
ملک
مُلک
مَلک
مِلک

۸ کلمه‌ی زیر، کوتاه شده‌ی چه کلمه‌ای است؟



۹ با توجه به حکایت (حکمت)، کامل کن.

شخصیت‌های داستان :

شخصیت اصلی :

شخصیت فرعی :

مکان اتفاق :

پیام داستان :

۱۰ تصاویر زیر، کدام ضرب‌المثل را به یاد می‌آورد؟ آن را بنویس.



ضرب‌المثل :

۱۱ با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: کدام گزینه به ضمیر «او» اشاره دارد؟

(۱) خانام (۲) جامه‌ای

(۳) نوه‌اش (۴) نامه‌ات

ب: کدام گزینه، معنی کلمه‌های مشخص شده را دارد؟

«من او را به طریقی خامش گردانم»

(۱) راهی - خام کنم (۲) طریقه - بی‌نور کنم

(۳) روشی - ساکت کنم (۴) طوری - خام کنم



پ: علت آرام شدن باد، در شعر «کاجستان» چه بود؟

(۲) مهربانی دو کاج نسبت به هم

(۱) شاخ و برگ‌های دو کاج

(۴) باریدن باران

(۳) ابری شدن آسمان

ت: بر اساس شعر «کاجستان» کدام گزینه درست نیست؟

(۱) باد وقتی دید که ریشه‌های کاج از خاک بیرون است، آرام شد. (۲) دو کاج، سالها با هم دوست بودند.

(۳) در یک روز پاییزی، باد شدیدی وزید. (۴) دانه‌ی کاج‌ها پراکنده شد و کاج‌های زیادی روید.

ث: در عبارت زیر چند کلمه‌ی «جمع» به کار رفته است؟

«روزی از روزها، پیرمردی به نوه‌اش گفت: من دیگر پیر شده‌ام و مدت زیادی از عمرم باقی نمانده

است. دلم می‌خواهد پس از مرگم ثروتم به تو برسد.»

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

خوانش و پردازش

متن زیر را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

۱۲

دختر غمگین چون گل پژمرده‌ای سرش را خم کرده بود و با چشمانی اشکبار به آب نیلگون دریا چشم دوخته بود. ناگهان در کمال نلپاوری، پری دریایی زیبایی را دید که از میان امواج سر بر آورده و چون از او خیلی دور بود، لبخندش دیده نمی‌شد...

الف: «دختر غمگین» چه نوع ترکیبی است؟

.....

ب: دو ترکیب دیگر مثل «مرد غمگین» نام ببر.

.....

پ: یک ترکیب اضافی نام ببر.

.....

ت: به نظر تو «پری دریایی» به دختر چه می‌گوید؟

.....

